حقوق اساسی

(سال دوم، زمستان 1383، شماره 3)
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی اکبر گرجی ارتشیانی
جایزه مدیر مسئول: محمدحسین حیبی (عضو هیات علمی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)
شورای تویستگان: (به ترتیب حروف الفا):

دکتر اردشیر هیرارجمند
دکتر ابراهیم پیک زاده
دکتر محمد رانخ
دکترعلی‌اصفهانی
دکتر عباس کدخدایی
دکتر رضا محمد نیک
دکتر ناصری على مصبوریان
دکتر علی‌اصفهانی
دکتر ناصر
دکتر حسن هاشمی

مدیر اجرایی: علی اکبر بیات
صفحه آرا و حریف نگار: کامران مینا

ویراستار ادبی: دینا کاوانتی
ویراستار فنی: محمد موسوی

لیتوگراف: چاب و صحافی: چاب دانش
نشان‌پیش: تهران، فلکه، چهارم تهران پارس، خیابان استخر، کوچه ۲۳۲ شرقی، پلاک ۲۲
صندوق پستی: تهران، فلکه، چهارم تهران پارس، خیابان استخر، کوچه ۲۳۲ شرقی

ridroitconsti@yahoo.fr

ناشی: دفتر نشریه حقوق اساسی

مرکز پخش و فروش: فروشگاه تخصصی کتب حقوق و علوم سیاسی، خ انقلاب، بین لالززار و فردوسی ۱۰۰-شریفیان، تلفن ۸۸۵۳۶-۱۴۵۵۵۰، پلاک ۲۲

به: ۲۵۰۰ تومان
بخش مقالات:

- مجازات عمل حرام و تعرض آن با قانون نداری در قانون اساسی
  دکتر محمد جعفر حسین زاده
  24-9

- سیاست جنایی ایران در پرتو قانون اساسی
  دکتر محسن خالصی
  50-25

- نظام عمومی و آزادی تجمع و تشکل
  فرید علی‌نژاد
  51-64

- نظام حقوقی و سیاسی در افغانستان جدید
  دکتر محسن خلیلی
  65-90

- تفاوت قوه مؤسس و قواه تأسیسی
  میر عباسی
  91-104

- نظام حقوقی و سیاسی در افغانستان جدید
  علامه حبیب علی‌نژاد
  105-126

- حقوق اساسی در ایران پا‌ساز
  آیت‌الله عباس‌علیه‌عمید رضائی
  127-137

- علم قانون‌گزاری در سایه حقوق اساسی
  محسن قاسمی
  138-153

- محدودیت های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی
  عباس‌کوه‌نژاد
  154-168

- ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنشستگی قانون اساسی
  محسن واعظی
  169-189
نظام بر حسب اجرای سیاست‌های کلی نظام بر حسب اجرای سیاست‌های کلی نظام به بهره‌وری از اصولی

فهرست مطالب

مقدمه

gفتار یک: پرسشنامه در باب سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن
gفتار دو: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در شرایط بازگیری قانون اساسی
gفتار سه: مقدمه‌ای بر روی نظارت از نظر علم مدیریت
gفتار چهار: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: امکان یا امتناع؟
مقدمه:

ناظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، موضوع بند دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. نخستین بند اصل یکصد و دهم قانون اساسی به موضوع تعیین سیاست‌های کلی نظام توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام اختصاص یافته است. چنان‌که می‌دانیم در پانزدهم سال ۱۳۸۸ هجری شمسی در قانون اساسی موضوع تعیین سیاست‌های کلی نظام، به قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ هجری شمسی از آن ذکری به مبانی تبیه‌نامه به بوده و ممکن است رهبری اختصاص یافته که می‌بابست از طریق مشورت با نهاد نو بین‌نیا، به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام آنها را تصویب و اعلام کند. از آن‌جا که طبق اصل پنجم و هفتم قانون اساسی، ولایت مطلقه فقهی بر قوانی سه‌گانه نظرات و اشراف دارد در بدو امر می‌توان بی‌طرفی که سیاست‌های کلی نظام به محض تصویب و اعلام می‌بابست مورد بذیرش و اجرای تمامی قوای سه‌گانه و مجموعه‌های ساختاری آنان قرار گیرد. از دیگر سو، بذیرش‌نگی است که می‌بابست بر اجرا و یا حسن اجرای سیاست‌های کلی مصوب، نظارت‌ها می‌وجود داشته باشد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انواع نظارت‌ها در قوانی سه‌گانه و سایر نهادها در نظر گرفته شده و به کلیه ساختارها و ساز و کارها این نواحی را داده است که بر کارکردهای تمامی نهادهای صاحب قدرت نظارت کند و از آنها در قبال کیفیت افتضاحاتی که به موجب قانون به آنها اعطا شده است مستندبند بخواهند. قانون اساسی جمهوری اسلامی دست کم در متن مکتوب خود مشخص از انواع و اقسام نظارت‌های نظارت انتخابی و علام شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، نظارت تصویبی مجلس در ممنوعات و مطلق دادن امیز شکل شرکت به خارجیان - بر استفاده کارشناسان خارجی - بر تغییر خطوط مزیت - بر حالت فوق العاده و محدودیت‌های ضروری - بر وقف دعاوی مالی، دلیت - بر فروش نگایس ملی - بر فرض و استقراض و کمک‌های بلاعوض - بر معاونات و قراردادهای بینالمللی؛ نظارت اطلاعی مجلس بر اینام نامه‌های دولت، نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، نظارت قضایی بر انتخابات، نظارت انتخابی مجلس بر شکل و تغییرات در هیات وزرا، نظارت سیاسی مجلس به صورت ذکر و سؤال و استيضاح، نظارت بر صدا و سیما، نظارت مقام رهبری بر قوانی سه‌گانه، نظارت بر حسن اجرای قوانین، نظارت بر حسن اجرای قوانین در محکم، نظارت بر حسن جریان امور، نظارت شورای امور ملی، نظارت قانونی و شرعی و قضایی بر آمیز نامه‌های دولت، نظارت قضایی بر انتخابات و بر کار شوراهای محلی، نظارت مجلس خبرگان بر رهبری، نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر
تصمیم‌گیری‌های یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اجرایی نظام، نظارت بر حسن اجرا، نظارت بر حسن اجرا از سیاست‌های اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

ناظریت بر حسن اجرا و هماهنگی امور شوراهای اصلی است. ناظریت بر حسن اجرا، نظارت بر حسن اجرا از جمله فرمانروایان و هم از خیلی از نظام‌های این بخش از وظیفه وظیفه وظیفه متناوب قانونی است. ناظریت بر حسن اجرا، نظارت بر حسن اجرا از جمله فرمانروایان و هم از خیلی از نظام‌های این بخش از وظیفه وظیفه وظیفه متناوب قانونی است.

سازمانی که به همراه این موضوعات، ناظریت بر حسن اجرا از جمله فرمانروایان و هم از خیلی از نظام‌های این بخش از وظیفه وظیفه وظیفه متناوب قانونی است.

است: 

آخرين نکته مورد نظر مسئله ناظریت بر اجرای سیاستهای این بسیار مهم است. ما نباید دل خود را به این خوش کنیم که بنشینم یک سیاست کلی را برای کشور تصویب می‌کنم، اما بعد ملاحظه کنیم و بیانی در عمل دست‌گاه‌های گوناگون اجرایی قوای سه گانه و بخش‌های

2- حافظی (سید محمد)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای اساسی، قم و تهران، مجمع آموزش علی فقیه، دکتر، جلد دوم، کتاب چاپ، صص. 137-469 و 714-715

3- حافظی (سید محمد)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی، تهران، میزان و دادگستری، جلد اول، کتاب چاپ، صص. 251-264

4- بی‌نام (به اهداف)، گفتگو با حافظی: حقوق اساسی رسمی، دکتر، کتاب چاپ، صص. 18-28

5- مهدی، صص. 118.
با استناد به شرایط مطلق که راه‌های مختلفی می‌رود، یا حتی از آن سیستم‌های کلی وارد شوند، بخشی از کلیدی و با تصمیم‌گیری مجمع تشخیص و با یک ساز و کار مناسب پیش بروند ... باید هم نظرات به معنای واقعی باشد هم خواسته در اجراییات به معنای خاص اجرایی شدن از آن استثمار شود و هم رهبری در جریان قرار گیرد. به همین ترتیب این سیستم‌ها کجایی اجرا شد و کجا اجرا نشد. نمی‌شود متولی پیمان برنامه بود تا بیانیم آیا این برنامه اجرا شد یا نه. حضور این سیستم با چهار در قانون، مصوبات دولت و سیاست‌های اجرایی که اتخاذ می‌شود محسوس باشد.

این خواسته متقابل رهبری مبنی بر نظرات بر حسن اجرای سیستم‌های کلی نظام به دفعات تکرار شده و از نظرات این نهاد نوین‌داری به معنی اطمینان به پیامدهای شدن سیستم‌های کلی در مراحل تنظیم و اجرای برنامه نام برهنه شده است. همچنین آن را مبنای توصیه مؤکد خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام برای پیش بینی و سیاست‌های در خود آن مجمع برای نظرات بر اعمال سیستم‌های مصوب در برنامه‌ها و مقررات تشکیل قرار داده تا در واقع مقدمه‌ای برای تنظیم اجرای آن مصوبات باشد. از دیگر سو، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بر این نکته با پیش‌رها است که با این فرمان و توصیه متقابل رهبری، نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام پی‌چرخ راه حل نهایی است.

به‌رهبری نظرمان این است که جنگ این سیاست‌ها با مجمع تعیین کرده، خودش برا نظرات آگاه تراست. لذا نظرات را به مجمع واگذار کرده. البته پیش نویس آیین نامه نظرات توسط یکی از کمیسیون‌های کارشناسی مجمع نهایی و اراپه شده است. و حالا با این آیین نامه در سطح مجمع مطرح و پس از بحث و بررسی‌های کارشناسی لازم به مناسب ترین شکل تنظیم
نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

نهایی و تصویب شد و بعد بر اساس آن نظرات صورت گیرد. این ما آبین نامه نظراتی نداریم.

پیام بر این، از دیدگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت، آن چه که سپر تاکید در تدوین آبین نامه نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام شده، بدما کردن روش‌ها و راه حل‌های مناسب بر نظرات و چگونگی وسیله سنجش است. ولی نگارندیده به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد و همین ناهماهنگی در اندیشه‌ها را بنابر فرضیخ خود قرار می‌دهد. می‌توان با توجه پرسش در مورد چیستی ماهیت سیاست‌های کلی نظام، به این نکته مهم واساسی پرداخت که چیزکه سیاست‌های کلی نظام در ساختار سلسله مراتب قوانین در نظام حقوقی اسلامی ایران کجاست و چگونه می‌توان نوع و جنس آن را مشخص کرد. گمان می‌رود که ماهیت مفهوم سیاست‌های کلی نظام – به این معنا که کمتر می‌توان جابه‌جایی دقیق و عینی و قانونی اجرای خود را نیز مهم و فاقد کیفیت جلوه خواهد داد؛ زیرا هنگامی می‌توانیم بر سیاست‌ها و قوانین مصوب اعلام شده نظرات کنیم که آن مصوبه‌ها، روش‌ها و صریح باشند، جناد میانی دو پله‌ها از اینکه دقیق، منجنگ و موجز باشد، قابلیت تعریف عملیاتی و عینی داشته باشد، اندازه‌بندی باشد، پتانسیل داده‌های آماری و عدلی آنها را گمی کرد و در سلسله مراتب قواعد حقوقی از جایگاه معین و متقارن بر خوردار باشند. گمان می‌رود مفهوم نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، فاقد کیفیت و اصولی است که هر نوع نظرات مفرد، دقیق و عینی از آن برخورد است. این آیین به همین دلیل باشد که تاکنون هم ظاهراً کی نمی‌توان هم سیاست‌های کلی نظام عینی و دقیقاً پیاده نشده‌اند. زیرا، می‌توان در عینی، فنی و عملیاتی شدن را فی‌خود داشته در خود ندارند و انسونه از وازگان مطلوب و فاقد قابلیت‌های اجرایی اند و هم نمی‌توان بر پایه شدن آنها نظرات کرد، زیرا از یک سو هر کسی از ظن خود پار سیاست‌های کلی شده و منبع پیداکار وحدت روبه گشته است و هم از دیگر سو باید پذیرفت که بر فضاهایی مهم آلود، اثربخش و انرژی مبتنی گشتن، نخستین گام در اجرایی نشدن و نظرات ناب‌پذیری سیاست‌های کلی است.
گفتارِ یک) پرسشنویسی در باره سیاست‌های کلی نظام و نظرات بر حسن

اجرای آن

"سیاست‌های کلی نظام" عبارت پردازی کامل‌آوری نوید‌دایی بود که پیش‌از آن کمتر پیشنهادی داشت و اگر از سیاست‌های کلی دولت با خط مسی‌های عمومی سختی به میان‌شی آمد، دست کم به متن قانون اساسی و شیوه‌های عمل قوانین‌گذاری ارجاع داده می‌شد. در سال ۱۳۷۵ که رقابت‌های انتخاباتی دوم سیاست جمهوری شدت یافت و مخصوصاً در استان‌هایی که اوج رسویده بود، بی‌گمان حذف‌زده می‌شد، این بار، سیاست‌های کم مؤثری که هریها و مقامی‌هایی در حال ورود به عرصه‌های انتخاباتی است و به احتمال فرآیند و وضعیت در قوه‌ مجریه همایی نبوده بود که مطلوب و مورد نظر است. بنابراین علاوه‌بر ترین مقامات نظام جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیدند که مجمع می‌پایست از همه ظرفیت‌های قانون خود استفاده کند و تمامی مسئولیت‌ها را بر دوش گیرد. این عبارت پردازی با فهم‌آوری سیاست‌های کلی نظام و نظرات بر حسن اجرای آن شما می‌توان و کاربردی‌های قدرت آمیخت و تغییر کنند می‌باشد. زیرا در عصر تعیین سیاست‌های کلی و مصلحت، موجبات چهارگان مجمع را دست‌کم بر دو قوه مجریه و مقننه فراهم می‌کند. در باب سیاست‌های کلی نظام، می‌توان پرسشنویسی را مطرح کرد که همگی می‌بینند که به دنبال سیاست‌های کلی نظام، می‌توان طرفداران این سیاست‌های اسلامی اشاره کرد و آن را نمود عقلانی، قانونی و حقوقی بودن وجود عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام دانست. این پرسشنویس، پاسخ‌های رفتار از متن قانون اساسی و نیز متن حقوقی می‌طلبد که می‌پایست آنها را در فلسفه حقوق و فلسفه علوم اجتماعی یافت:

۱- ماهیت سیاست‌های کلی نظام چیست؟
۲- آیا سیاست‌های کلی در حکم قانون اساسی است؟
۳- آیا سیاست‌های کلی نظام مصلحتی می‌تواند خلاف شرع یا قانون اساسی باشد؟
۴- مسئول تشخیص ابتکار و عدم مغایرت سیاست‌های کلی با شرع و قانون اساسی چیست؟
۵- ارتباط سیاست‌های کلی نظام با تفسیر شورای نگهبان چیست؟
۶- جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام در نظام تصمیم‌گیری ایران چیست؟
۷- طبقه‌بندی و قلمروی موضوعی سیاست‌های کلی نظام چگونه صورت می‌گیرد؟
۸- حقوق‌های میان‌رای با سیاست‌های کلی نظام چه سرنوشتی بیدا می‌کنند؟
۹- سیاست‌های کلی چه ارتباطی با تصمیم گیری‌های قانونی اجرایی و قضایی دارند؟
نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام... 

10- در زمینه انتقال مصوبات مجلس و دولت با سیاست‌های کلی چه مرجعی مسئول رسیدگی است؟

11- اگر مصوبات قابل و در حال اجرای مجلس متفاوت با سیاست‌های کلی مصوب بود، تکلیف چیست؟

12- آیا سیاست‌های کلی نظام در حکم قانون است؟

13- تکلیف اصل 4 قانون اساسی با سیاست‌های کلی نظام چه می‌شود؟

14- مرجع تشخیص و رسیدگی به تعارض کلیه مصوبات اجرایی و قضاوتی و تضمینی با سیاست‌های کلی کیست؟

نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام نیز پرسش‌های جنگی را به خود همراه می‌آورد؛ زیرا از یک سو تا ماهیت مفهوم سیاست‌های کلی روش‌شنوی نظارت بر حسن اجرای آن امری به‌هیچ‌وجه است و از دیگر سو، خود مقوله نظارت به تنهایی حاوی ویژگی‌هایی است که آن را نمی‌توان به همه‌پرسی‌های تعقیب‌کننده داده‌ها و ویژه‌اً، که به‌خوبی چنین نظارت‌های را در بالاترین سطح قانون اساسی پدیده کنیم:

1- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام چگونه و با چه تشکیلاتی انجام می‌پذیرد؟

2- ارتباط این نهاد نظارتی کلیان با دیگر سازمان‌های نظارتی چگونه است؟

3- آیا خود سیاست‌های کلی نظام که مصوب مجمع تشخیص مصلحت مستند است، ابتدا به ساکنان و پیش از تصویب و اجرا نیازمند نظارت از جمله انطباق با قانون و شرع می‌باشد؟

4- آیا اگر مقام رهبری سیاست‌های کلی نظام را تصویب کند هم شرعی و هم قانونی است و در اینصورت مبنی بر انطباق آن بر شرع و قانون اساسی نمی‌خواهد؟

5- آیا مجمع تشخیص مصلحت، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی را از طریق نهادهای مصروح در قانون اساسی - سازمان بازرگانی کل کشور، دیوان عالی کشور، دیوان عدلات اداری، دادگاه‌های دادگستری، دیوان ماحاسبات - بپیچید بدین خاک به تنهایی اقدام می‌کند؟

6- با توجه به بند 2 اصل 110، آیا رضوهام مصوبات اجرایی، قضاوتی و تفنینی که خلاف سیاست‌های کلی نظام اعلام شود، با مقام رهبری است و یا از طریق ساز و کارهای مصروح در قانون اساسی دنیال می‌شود؟
7- آیا می‌توان از ساز و کار نظارت پیشینی بهره گرفت، به این معنا که کلیه مصوبات اجرایی، قضاوتی و تقنیه بیش از آن که صورت قانونی یابند، به مجمع احالة شوند تا مغایر با سیاست‌هایی کلی نباشد؟

گفتار دو) نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در شورای بازنگری قانون اساسی

شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی تشکیل شد. 
تا بنا به حکم مقام وقت رهبری امام خمینی(ره) - عهده دار تجدیدنظر در قانون اساسی شود. 
در بند یک حکم بازنگری که موارد اصلاح و ترمیم را نشان می‌داد، از واژه کلی رهبری، 
استفاده شده و همیشه ضعیفی مانند برنگونی و چیستی بازنگری ارائه نشده بود.
اگر چنین گردد، نظام در شورای بازنگری نمی‌تواند قانون اساسی قابلیت اختیارات و اقتدارات 
مقام رهبری بسیار افزون نر از آن باشد که در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ هجری شمسی 
بدان تصمیم‌گیری شده است. به همین دلیل واژه مطلقه به اصل پنجا و هفت‌افزون شد، تعیین 
سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن بر عهده مقام رهبری گذاشته شد و حکم 
مفصلان نظام با توسل به اختیارات فرایند قانون اساسی نیز در عداد اختیارات وی مطرحه 
فقیه در امام‌الاعظم، افزاکار مقام رهبری اقداماتی علیه در زمینه امنیت ملی و بازنگری در قانون 
اساسی نیز کسب کرد. فضای عمومی شورای بازنگری در باب اقتدارات مقام رهبری چنان بود 
که تغییر و تحولی نسبت به خبرگان ۱۳۵۸ هجری شمسی محسوب می‌شود:

حالا قانون اساسی در آن زمانی که خبرگان اول قانون اساسی تنظیم می‌کردند گرفتار 
جهیزی بودند و عجله‌ای، ولی فقهی عالی مکالمه در آنجا بودند که به این حمایت توجه 
داشتند و برای اینکه یک مقدار سرعت عمل بود آن طوری که باید و شاید اختیارات ویا 
فقیه در قانون اساسی تبیین نشد. این نقص هم به این جهت برداشت شد.

11- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون 
اسلامی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۱۵۱.
به زعم فقیه شورای بازنگری، اعطای اختیار تعیین سیاست‌های کلی نظام به ولی فقیه هم جنبه عقلی داشته است و هم جنبه شرعی. اعطای اختیار نظارت برحرمت [اجرا بهدین خاطر است که] ممکن است رهبر سیاست‌گذاری بکنند اما به این سیاست‌ها در مقام عمل توجه نشود.
فلذا حق آن را دارند و می‌باشند هم رهبر نظارتی برکلیات داشته باشد که آن‌ان خص مسئولیت در جناب به حفظ نظام کلی، نه جنبیت تیم‌های گسترده، سیاست‌گذاری و اهداف کلی، که تعیین شده در قره مربوط، قواعد و رهبری انحراف شده باشد؟ که اگر بود می‌توانند اقدامات لازم را انجام دهند و به دنبال همین جهت که نظارت دارد اگر تحقیق داد که در یک زمانی مجلس بدون توجه از آن سیاست کلی خارج شد قهرآ ارشادی را که با یکدیگر ممکنند. ولی اگر دید که در حلالی مجلس بی اعتنا است که نمی‌توانند، اعتنایی کنند به ارشاد و رهبری‌ها که می‌شود در بند چهارم حق مشابه نمودن مجلس را به رهبر دائم که اگر دید آنان سیاست‌های اصل اسلامی که برایش تعیین شده و خط مشی مشخص کنار می‌روند حق دارد منحل بکنند.

دامنه این نظرات می‌توانند به شکل تعیین نمایندگان از سوی وولی حفیظ در نهادها، وزارت‌ها و سازمان‌های گوناگون باشد، با این نکته که تعیین میزان و نوع حدود اختیارات نمایندگان رهبری نیز به عهده خود می‌باشد. در این باب نظرات ولی فقیه بر حسب اجرای سیاست‌های کلی نظام و نیز دیگر روندهای زمان‌دارانه در شورای بازنگری دو نوع نگرش وجود داشته است. از یک سو برخی با برخی‌های مشابه زبان فقهی به وارد گیرند و با بره‌های برخی از نوع استدلال‌های فقهی به این باور رسیده بودند که تعدادی اندیشه‌ها می‌باشد در اختیار ولی فقیهی فارغ نمی‌گردد. زیرا در دیدگاه آنان همان گونه که او می‌شود ترتیب هم لاق تعمیم انتخابات و اختیارات است. آنان در این نحو استدلال از بره‌های بزرگتر از شیوه‌ها و روش‌های زمان‌دارانه دیگران و نیز تجربه‌های کشوری می‌باشند از انتخابات تامه و مطلوب به کسی که منطبق با استدلال‌های فقهی لایق است خود به خود موجباتی را فراهم کرده که از امر کشور به ساختمان کرده، ولی گروه دوم از منظر مدیریت اجرایی و کشورداری به قضیه می‌گرددند و بر
این گمان بودند که نمی‌باشت نقش یک نفر را آن چنان برجسته کرد که در دادن انتخابات نامه به وی، کسی شک به خود را ندهد. زیرا به زعیم آنان کشورداری یک تن از محالات محصور می‌شود. گروه اول به تن‌بند فقه پرآورن رهبری یک نفره تام الاختیار و مقدر مشغول بودند و چهین باورهایی داشتند:

1- نظارت برحسن اجرای سیاست‌های کلی نظام یکی نکته‌هایی بود که ذکر آن و مشخص کردن آن در جایگاه واقعی رهبر لازم به نظر می‌آمد. زیرا حتی مقام رهبری باید این قدرت و امکانات را داشته باشد که آیا آن خط مشی و سیاست کلی تعقیب و یپاده می‌شود یا خیر.

2- فلسفه ویل و رهبر برای حکومت اسلامی اصلاً این است که قبیل و بندی نداشته باشد و در موقعیت ضروری و معییدات بتونه برخورد کند و تصمیم بگیرد و هیچ حالت غیرمنتظره‌ای نباشد و متأسفانه اینجا خیلی ها با مشورت با مجمع مصلحت قید کرده‌اند. مقام رهبری برای نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام بازوز اجرایی می‌خواهد.

3- رهبری که تنواند نمایندگان داشته باشد و نظرات نیز نتواند پکند و نتواند از جریان‌های جاری کشور مطلع باشد مشکل خواهد داشت.

4- نظارت رهبری باید باشد وی نمی‌خواهد اوضعای را فلج کند. این نظارت بال против

5- منظور از نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی این نیست که برای مقام رهبری تشکیلات وسیعی درست شود که در برای تشکیلات دولت باشد. ولی اگر رهبر اختیار تعیین سیاست‌ها را دارد باید اختیار هم داشته باشد که متوجه شود یا این سیاست‌ها اجرا می‌شود یا خیر. بنابراین گاهی اوقات نمایندگان تعیین می‌کند، گاهی اوقات هیبات ویژه‌ای را

__________________________
14- همان. ص 166
15- همان. ص 173
16- همان. ص 174
17- همان. ص 199
18- همان. ص 199
تشکیل می‌دهد و پرونده و اطلاعات لازم را می‌خواهد و سپس تصمیم می‌گیرد. ۱۱ نه تنها نظارت رهبری باید باشد بلکه گسترش از آنی که همست باشد مشابه مثالاً حتی نظارت بر حسن جریان امور که از وظایف قوه قضاییه است هم باید به رهبری سپره دشود. نظارت برای رهبری هم اختراع و هم وظیفه است. ۱۲

۶- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی به این معنا نیست که مقام رهبری وارد کارهای ریز و جزئی شود که مستلزم تداخل در امور اجرایی و با ایجاد تشكلات مفصل بایستد بلکه می‌خواهد مطمئن شود که آیا سیاست‌های کلی منصوب وی اجرای عمل و عمل می‌شود یا خیر؟ ۱۳

۷- مقام رهبری باید نظارت کامل داشته باشد و حتی باید بنواند نماینده باشد تا از روش آنها مطمئن شود که آیا سیاست‌ها بپایه می‌شود یا خیر؟ ۱۴ داشتن نماینده از سوی رهبر برای نظارت سیاسی می‌شود مشکلات درست و مستقیم به رهبر منتقل گردد و تداخل و مراحت مدیریت دیگران هم محصور نمی‌شود ولی بهتر است حدود اختیارات آنها معلوم گردد. ۱۵

۸- هم نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی درست است و هم داشتن نماینده از سوی رهبر. نمی‌توان زیاده رویهای ابتدای انقلاب را دلیل گرفت و گفت که نماینده رهبر سپس تشکیل در امور اجرایی و اداری می‌شود. این اختراع را باید به مقام رهبری بدهیم که هرگاه لازم بداند با تعیین نماینده در هر کجا که خواسته نظارت و دخالت کند.

---

۱۸- همان، ص ۱۲۳۵.
۱۹- همان، صص ۱۳۴۵-۱۳۴۶.
۲۰- همان، صص ۱۳۲۸-۱۳۷۲.
۲۱- همان، صص ۱۳۲۹، ۱۳۳۸.
۲۲- همان، ص ۱۳۷۲.
۲۳- همان، ص ۱۳۳۳.
9- بهتر است قبیله برای حدود اختیارات نماینده رهبر برای نظارت با گذاشته و بتوسیع جهت ترویج ذهن و نظارت بر رعایت موازین شرعی و اخلاقی تا شیوه دخالت در امور اجرایی و اداری مدیران هم پدید نایب.

10- بهتر است قید پس از مشورت رهبری با مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تعیین نماینده در جایی که رهبری نظارت را لازم می داند حذف شود زیرا مقام رهبری است و نایب او را نمتوان به مشورت کرد.

گروه دوم از مدیریت و کنش‌داری شاهد و مثال می‌آورند. این گروه معتقد بودند که اندیشه وجود در نهایت منجر به فریب شدن منصبی خاص می‌شود که در پیش آن سایر نهادها و سازمان‌های کشور از جوی قدرت اداری و اجرایی دچار اختلال می‌شوند. باورهای این گروه را دیالا مرور می‌کنیم:

1- تشکیلات نظارت مشخص نیست که چیست و یک نیاید کانونی تشکیل شود و عده‌ای در آن جمع بیشود و مساله‌ساز گردند.

2- نپیشن و یک بازرسی چگونه باید مقدمه رهبری در کنار بازرگانی کل کشور باید بباورم. تعیین نماینده رهبری در همه نهادها و سازمان‌ها منجر به لوث شدن مسئولیتها و مدیریت‌ها می‌شود.

3- هم تبعیض سیاست‌های کلی و هم نظارت بر حسن اجرای آنها هر دو غلط است و نباید به آن نداریم زیرا آن همه دفتر و دستک و تشکیلات می‌خواهد که با دستگاه‌ها موجود در تصادف می‌افتد.

4- نظارت بسیب بی‌اختیاری دستگاه اجرایی و موجب فلج کلی کشور خواهد شد.
5- مقام رهبری اگر بخواهد هم سیاست‌های کلی را تدوین کند و هم برحس اجرای آنها نظرت کند نیازمند دو دستگاه عریض و طولی است که با فریبی بیش از حد دستگاه دولتی، نوعی از بی‌کاری است. از دیگر سو، خود قانون اساسی مکانیزم‌هایی را برای نظرت بر قوای سه گانه تعبیه کرده است و برقراری نظرت مجدد نوعی دوره‌گذاری به‌طوری که نظر می‌رسد.

6- ایجاد یک تشکیلات برگ می‌تواند از طریق دو این نظرت کند و هم از دیگر سو ایجاد تشکیلات موثر مقابل آن برای کشور مشکلات ایجاد خواهد کرد.

7- مضحت است اگر بگویم رهبر حق نظرت دارد، یک قانون نظرت دارد یا واقعاً حق نظرت دارد و نیز مناسب نیست که قید کنیم این اختراع مقال رهبری است. زیرا اگر قید هم نکنیم نهایتاً وی این اختراع را دارد که نظرت کند باید این اگر نبدهد، حذف شود، بهتر است.

8- نظرات نیازمند تشکیلات است ویلی گزارش‌های روزنامه این تشکیلات سبب درگیری با مستندین اجرایی می‌شود و کیفیت می‌شود و چیزی مانند را یابیم می‌آورد.

9- نمی‌توان برای پیاده‌سازی نظرات مقال رهبری، یک نماینده در دستگاه‌های اجرایی داشته باشد. زیرا معلوم نمی‌شود آیا نماینده رهبری در چارچوب قانون است یا نیست؟ آیا مستندت مابین دارود و وزیر نمی‌تواند نمی‌شود که بالا‌خواهد چه باشد. یکن اگر نظر داشته که کاری باشد صورت گیرد. اگر نماینده رهبر نظر دیگری داشته معلوم نمی‌شود نظر کدام یا کدام اجرایی اگر کرد و این تداخل سبب انجام نشدن کلیه کارها می‌شود.

10- قرارداد نماینده مقال رهبری برای نظرات هم لوت مستندیست، هم تداخل در کارهای، هم خلاف نظر امام خمینی است که در ارتباط با دستگاه اجرایی و قضایی اصرار.
روی تمرکز داشتهند و هم خلاف مطلقه بودن ولایت است میزان به چه حرفی می‌کوییم وی باید این کار را انجام دهد اگر او خود خواسته که انجام می‌دهد. اضافه کرد که نماینده مقر از این نظر اداری باید به بهره‌برای مدیریت مخالفت دارد و خلاف عقل هم است و هنوز نیز هم در مدیریت یافت نمی‌شود که از دو مرجع در یک دستگاه نماینده باشد. نماینده مقام رهبری می‌تواند به یک منبع انتخابی انتخابی است و خود را بالای از آن نامه و شرح وظایف تلقی می‌کند. شیعت‌ها و دو دستگاه نیز زیاد می‌شود و خود مدیریت هم احساس حقارت می‌کند. ونگهی با وجود انواع و اقسام نظرات در قانون اساسی دیگر نازندند نظرات از نوعی دیگر نیستند که به دیسپلاس لوث متصلی می‌شود زیرا معلوم نیست که از کدام شخص بایستی مسئولیت بخواهیم؟ از وزیر یا از نماینده می‌بایستی رهبری؟

پیوند از شورای بازنشسته نیز یاوه‌های کوناگون مطرح است. ولی در تعیین می‌بایست و نامشروع نظرات بر حسب اجرای سیاست‌های کلی نظام مشترکند. سید محمد هاشمی اصلاً به چنین موضوعی نهادنیا و به نحوی می‌پیامد کلی گویانه‌ای که حاکی از مخالفت عمیق و درست وی با چنین مفاهیم مهمی است. از کار‌های موضوعی سیاست‌های کلی نظام و نحوه و کیفیت نظرات بر حسب اجرای آن گذشته است. سید محمد برای نیورکننده است تعیین جدیدی برای این مفهوم نیاز به کلی کویانه‌ای اکتفا کرده که اصلاً از قبیل در قانون اساسی موجود بوده و تیز به اصلاح و ترمیم قانون اساسی به این شکل نبوده است:

نظرات بر حسب اجرای سیاست‌های کلی با هر طریقی که مایل باشند با کمک گرفته با سازمان بازرسی کل کشور، با تشکیل گروه‌های بازرگانی موردی و فصلی گرفته اطلاعات لازم از مسئولان دستگاه ها و رساگی به شکایات افراد و شخصیت‌های حقوقی و برخورد با متفاوتان در شکل تذکر، تنیب، عزل و جابه‌جایی انرژی انجام می‌گیرد.
زنگ‌های بر حسن اجراٍ سیاست‌های کلی نظام...
سريع قانون اساسی است. محمد جواد ارستا نیز مفهوم نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام را با دو نوع تفسیر موسع و مضيق مورد تحلیل قرار داده است. ایشان در تفسیر موسع از مفهوم نظارت، سیاست انطباق مصوبه مجلس با سیاستهای کلی را نیز مث نظارت می دهند و در تفسیر مضيق آن، نظارت بر تخیض اجرای سیاست حکم خود را تحت عنوان هیچک از جریانهای دوگانه را اختیار نکرده است. با این گفت هم تفسیر موسع و هم تفسیر مضيق از نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام مشکلات ویژه خود را دارند که کم و بیش تا کنون بدان اشاره شده است.

گفتار سه) مقدمهای برتری نظارت از جنین علم مدیریت

نظارت یا کنترل بیوند بسیار نزدیکی با سابیر مؤلفههای مدیریت مانند برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کارآموزی و رهبری دارد. زیرا به نظر می رسد کسب دستاوردهای مفید و مطلوب مشروط به آن است که گزینه یا لازم برای رسیدن به هدفهای برنامه ریزی شده و نیز شیوههای اجرای عملیات مذکور با واقعیت هرچه بیشتر پیش بینی شده باشد، تقسیم کار طبق اصول علمی انجام گرفته و گزینههای واحدهای گوناگون هماهنگ شده باشد. در اتمام جنین پروسههایی و نیز به هنگام استاند نهایی، نظارت یا کنترل یکی از مهمترین عملياتی است که یک مدیر می باست انجام دهد، زیرا نظارت یا کنترل عبارت از تلاش منظمی است در جهت رسیدن به اهداف استاندارد، طراحی سیستم باز خوری اطلاعات، مقایسه اجزای واقعی با استانداردهای از پیش تعیین شده و سرانجام تعیین انحرافات احتمالی و سنگش ارزش آنها بروند اجرایی که در برگیرندو حداکثر کارآیی است.
ابن باور که مدیریت خوب به داشتن نظام کنترل مؤثر بستگی دارد، به نه تنها بخور گرافی
نیست بلکه کاملاً پذیرفته است. زیرا تمام مدیریت عبارت از آن است که با بایدها را با
همشان، مطابقو داشته باشیم. پیشینه ها را با عملکرد ها مقایسه می کنی و تصویر واضحی
را در اختیار یک مدیر قرار می دهیم تا وی متدی را حداً خاکی از آن چه که در برنامه
قول رضیدن به آن را وارد قرار می دهی. نقش و کار ویژه مهم نظارت توافق آمیزه است
که اثر لازم را از نظر تصمیم سیاست بر جای می گذارد. یک مدیر کار آمد تنها از طریق
وظیفه با نظارت است که می تواند از متابع و فعالیت اعضای یک سازمان در یک سیستم، خداکردار
و اثر بخشی را در جهت نتیجه بیشتری از هدف سازمان به دست آورد. فقط با نظارت بر
برنامه ریزی به صحت پیشینه خود پی خواهد بر. به همین دلیل است که این نظر را
پیشیرفته که هیچ برنامه‌ای بدون نظارت در دوستی اجرا نمی شود و کنترل نیز بدون برنامه
مظمه می گیرد. به عنوان نمونه یادبود با پیشینه نظارت به آن است که اگر مطمئن باشیم که وظیفهای که
ارجاع می کنید به طور کامل انجام می شود واقعی به کنترل نیاز نخواهد داشت ولی این مورد
به ندرت اتفاق می افتد. پیشتر برنامه را به وسیله افراد اجرا می شوند. افراد از نظر توانایی‌ها،
انگیوش و صحت عمل تفاوت بسیاری با همان دارند. از این گذشته طرح‌های کهنی نیز نیاز به
تجدید نظر دارند.

نظارت نیز انواعی دارد و زیر هر کدام از آنها به دلیلی که برعکسی به شود می تواند به یک مدیر
در تصمیم مسیر کمک کند. گاهی اوقات کنترل گذشته نگارست؛ یعنی مدیر با یک هره گیری از
مکانیزم بازرگورد به گذشته باز می گردد و با یک هره گیری از اطلاعات گذشته به مقایسه

---

43- ایران زاد، باوروی (بهادری)؛ ساسان گهر (پروری)؛ سازمان و مدیریت از نوی، تهران، مؤسسه انتشاراتی
ایران، 1371، صص 663.
44- الوالی، سید مهدی؛ بی‌پدایت عوموسی؛ تهران، 1371، صص 68.
45- کامیاری (جراحات)؛ ترجمه از انجمن انگلیسی تهران، مدرک آموزش مدیریت دولتی چاپ، سوم، 1388، صص 371.
46- رضاییان، سید علی؛ انتخاب های تئیه، تهران، 1371، صص 232.
47- دسلرس (گری)، سیاست مدیریت؛ ترجمه داود مدنی، تهران، نووس، چاپ دوم، سوم، 1373، صص 168.
می‌پیماید، انحراف را می‌باید و به اصلاحات می‌پردازد. ولی گاهی اوقات لازم است قبل از ان‌که نتیجه‌ای پدید آید پیشگیری‌های لازم انجام شود. به همین دلیل کنترل آینده نگر به پیشگیری و انجام اصلاحات قبل از اجرای براز حصول نتایج مورد نظر می‌پردازد. زیرا بروز این‌گونه نگرش را نوشیداری پس از مرگ هنرمند به همین دلیل کنترل آینده‌نگر را پیشنهاد می‌دهد که به صورت نظامی در می‌آید که قبل از وقوع اشباع‌های به جلوگیری از آن‌ها می‌پردازد. از دیگر سو حساسیت فراهم برخی از برنامه‌ها انجام می‌کند که یک مدیر از کنترل زمان وقوع یا کنترل بررسی اطلاعات حاصل از زمان واقعی بهره‌گیرد تا بتواند اطلاعات مربوط به عملیات یک پروژه برنامه‌ریزی شده را در همان لحظات که عملیات واقع می‌شود، دریافت کند. 

روشهای کنترل و نظارت را به شیوه‌ای دیگر نیز تقسیم بندی کردند:

1- پیش نظرات یا کنترل پیش از عمل که روی‌شی است که درآن پیش از انجام یک عمل یا به‌کار آمدن، مدیر نسبت به وجود متانی مالی، انسانی و مواد اولیه اطمنان حاصل می‌کند. جدول زمان بندی شده برای انجام کارهای مشخص ندوین شود و سپس برای انجام کارهای مدت زمان لازم برآورده می‌شود.

2- کنترل پسینه‌ای یا آینده‌ای نگر نیز این توان را دارد که موارد انحراف از استاندارد را تعیین کند و پیش از آن که به نتایج ناگواری بینجامد درصد اقدامات اصلاحی برآید. مدیر مانند یک سکاندار کشتی‌نما زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که درباره تغییرات محیطی و پیشرفته و پسرفت کارها در جهت هدف مورد نظر اطلاعات دقیق و به‌همگامی را به دست آورد.

3- کنترل بلی یا خیر و یا کنترل چهار شکنی‌اندی است که بدان و سیله جنبه‌های خاصی از اقتصادی یا اگر تصویب شود یا شرایط خاصی که پیش از آدامه کار باید تاپید گردد مشخص خواهد شد.

4- کنترل بعد از عمل نوعی از نظرات است که در آن نتیجه کارهای انجام شده به‌سانجش در می‌آید وعلت انحراف از برنامه یا استاندارد مورد نظر تعیین می‌شود و نتیجه این اقدام برای
فعالیت‌های مشابه آن‌ها و استفاده از انواع مراحل. از این نویسندگان برای پیاده‌سازی و ترجمه و تشخیص عملاً از افراد مثبت انجام دهد که از وقوع یا تکرار انحراف‌های جلوگیری کنند. حال اگر یکی از فعالیت‌های انواع سازمان‌ها را تعمیم دهند، مشابهی بین سنجش نتایج عملیات انتخاب کننده و نیز توزیع اطلاعات را به نحوی انجام دهیم که بتوانیم نتایج عملیات انجام یافته را با هدف‌های پیش‌بینی شده-بنچمارک و مقایسه کنیم، یک می‌تواند باشد بتواند شرایط و وسایل انجام کار را به‌ویژه بخشید. در هنگام تجدید نظر کننده، در شیوه انتخاب مجریان و نیز تعیین آنان بازیگری کنند با هدف‌ها و نقشه‌های اولیه را تعیین بخشید. فراخوان کنترل

را می‌توان طی چهارگام انجام داد:

۱- تعریف معیار، استاندارد‌های ضبط‌برای نظرات

۲- سنجش عملکرد در برای معیار

۳- تشخیص انحرافات و تحلیل دلایل و علل آنها

۴- اقدامات اصلاحی

نظرات پذیرفته کم و بیش منوط به این است که اهداف به صورت مقداری کمی معلوم گردد. در حقیقت آن‌چه که موضوع نظرات قرار می‌گیرد بررسی دیری‌گرای این مسئله است که آیا نتایج عملیات با هدف‌ها و معیارهای پیش‌بینی شده تطیف می‌کند یا خیر؟ به‌وجهی است چنانچه مقایسه فعالیت‌های مختلف سازمان به نحوی محسوس و قابل سنجش- مقدار کمی معلوم نباشد، اجرای نظرات غیرمکن می‌گردد؛ زیرا در این صورت ملاک شخصی برای مقایسه نتایج عملیات وجود نخواهد داشت.

از یک سو برقراری معیار نیازمند مقداری کمی است و از دیگر سوی در سنجش عملکرد واقعی با توجه به معیارها، مشاهده شخصی عبارت از ساده‌ترین و مداول‌ترین راه انجام آن

۹۹- استوک‌نر (جیمز) و فریبیق (آگوارد) مدیریت: برنامه‌ریزی و سازمان‌سازی ترجمه سید محمد عربی و علی پارساپیان،
تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۷۵، صص۱۲۶۶-۱۲۶۴.
۱۰۰- رضاییان (علی)، منابع، صص۱۴۴۴.
۱۰۱- افکاری (علی محمد)، منابع، صص۱۶۵۱-۱۶۵۰.
است. 40 بنابراین اگر با معیار نامیکریز و مشاهده نامیکریز مفاهیم و برنامه‌ها مواضع شویم باید
پذیرم که نظریتی نیز وجود نخواهد داشت. اندازه پذیر بودن نیز معیار بسیار مهم‌دیگری در
انجام بهینه امر نظرت است:

افلامگیری فعالیت مستمری است که جمع‌آوری اطلاعات مربوط به عملکرد واقعی را
شامل می‌شود. در صورتی که عملکرد باید برحسب واحدی که قبل از عنوان معیار تعیین شده
است سنگی‌ره شود. بنابراین واحد یا معیار اندازه‌گیری باید به گونه‌ای روشن تعریف شود و به
سهمول قابل تشخیص باشد. همچنین باید در طول یک دوره زمانی دارای ثبات، یکدستی و
تجانس باشد.

گزارش‌هایی نیز که می‌باشند در یاده‌های حرکتی انجام عملیات نظرت تدوین گردید، باید به
موقع و به‌هگم‌های تدوین شود. جواز کلی گرنی ناکافی و بتواند به نحوی موجه و منجر نظرت را
تسهیل کند و با بهره‌گیری از اطلاعات دقیق عدید و آماری تنظیم گردد. یک مدیر در چنین
اجرای تصمیم‌های ناشی از پیاده‌سازی یک برنامه می‌باشد نظارتی مدام و مخدف داشته باشد و
بنگرد که آیا امور طبق برنامه انجام می‌شوند و پیش‌تری نیز می‌روند. یک مدیرهایی که در نتیجه اجرا
یک تصمیم رخت می‌دهند چه تأثیرات درون محیطی دارد، آیا کار طبق انظار پیش‌تر می‌رود. به
طور خلاصه یک مدیر با قوانین مستمری روی رود می‌شود و باید پیوسته و دایم مترصد
مشکلات و مسائل جدید باشند. وی اگر کنون به طرز غیر علنی، اندازه‌برد، مشاهده‌برد و
گزارش پذیر نظرت را انجام داد به طور کلی کنترل مؤثر و مفصلی را نمی‌توان انظار داشت.

ویگی‌ها و معیارهای نظرت متفاوت است ولی همگی این کار به‌زیاده را دارند که سبب
شوند و حرکت برنامه ریزی، نظرت پذیر و در نتیجه قابل پیاده‌شدن و عملیاتی شدن باشد.

بازیپسی ارتباطی یا کنترل مؤثر نیازمند معیارهای عیبی و دقیق است، زیرا به گونه‌ای ذهنی و

55- استونر (چری) و کهیر فری مان آو (ادوارد) و گیلبرت (دانل آو) مدیریت، ترجمه علی پاسایان و

سید محمد عزیز. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. 1379، صص 21-416.
دکتر محسن خلیلی

(۸۵) نظرات بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام...

آزمایش نمی‌توان نظرات کرد. سیستم کنترل حتماً می‌بایست به طریق قابل لمس خاصیت بازخوانی داشته باشد تا نتوانی نتایج کردارهای ناشی از برنامه‌ریزی را در محیط عمیلی سنجید. گزارش پذیری نظرات سبب می‌شود مدیر به طرز عینی در راه تصحیح انحرافها بکوشد. آماری و قابل اندازه‌گیری بودن یکی دیگر از شروط نظرات مؤثر و مفید است. زیرا در قیاس میان مستحق و بازده می‌باشند شاخصها و سنجه‌های عینی و نه ذهنی در اختیار باشد. استانداردها باید مشخص و دارای معنی و مفهوم باشند و در باب پذیرش آنها میان تصمیم گیران و مسئولان اجرای اجماع و وفق وجود داشته باشد. این استانداردها باید قابل اجرای باشد. زیرا باید، تعبیر و تفسیر هدف‌های کلی مانند تعیین و ترتیب بستر با منافع بیشتر موجب ایجاد می‌شود. هدف‌باید تا آنجا که ممکن است بر حسب واحد قابل اندازه‌گیری باید شوند. چنان چه بین هدف‌ها مانند افزایش روحیه، بهبود روابط اجتماعی استقرار اضطراب و خلافت بیشتر می‌شود. مکانیکی ضعیف می‌شود که در شرایط مزبور به اندازه‌گیری عملکرد کمک کند.

به طور کلی ویژگی‌های نظرات کار آمد ازقزاق زیراست:

1. دقیق بودن اطلاعات
2. به موقع بودن گزارش دهی
3. تکیه بر نتیجه و برنامه مشخص
4. معقول و قابل درک بودن

۶۶- کوثری، حسن. اصول مدیریت، نظریه و عمل، ترجمه حسین عبده تبریزی و فیروز رحیمی، نهروان، پیشرد، ۱۳۵۰ ص ۲۲.
۶۷- همان، ص ۳۹۹.
۶۸- دیل (دارست)، اصول مدیریت، نظریه و عمل، ترجمه حسین عبده تبریزی و فیروزه مهاجر، نهروان، پیشرد، ۱۳۵۰ ص ۲۲.
۶۹- الوانی (سید مهدی)، منبع یکپارچه، ص ۹۳.
۷۰- ایران زند پارزی (مهدی) و ساسان گهر (پروری)، منبع یکپارچه، صص ۴۲۵-۴۲۴.
نشیره حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1382

5- مقرر به صرفه بودن

6- انجام کنترل در نقاط راهبردی یک برنامه

7- عینی و دقیق بودن کنترل مؤثر

8- انعطاف پذیری

9- قابلیت انتقال بر ویژگی‌های فردی

10- وجود خاصیت کافی انحراف‌ها

11- تناسب کنترل با مناصب سازمان

12- قابلیت تجدید شونده میزان انتظار.

وازه جمله POSDCORB که توسط لوترگولیک ابداع شده است، نشان از وظایف هفته‌گاههای مدیریت دارد. ولی نظارت و برنامه‌ریزی در این میان آنقدر به هم‌بودگر پروسته‌نامه شده است که از اصلاح دو تغییر یک قیممی بیشتر کرده و نشان داده شده است که برنامه‌ریزی و نظارت کردن از هم جدا نبودن می‌باشد. آنها را همواره‌ای سیاسی مدیریت می‌خوانند. کشی برنامه‌ریزی نشده را نمی‌توان نظارت کردن کرد: زیرا نظارت کردن به معنی پابرجا نگهداری‌شان فعالیت‌ها در راستای درست از راه تصخیص کردن کج رویهایی است که در برنامه‌ها روي داده است. برنامه‌ریزی، معیارهای نظارت را هم فراهم می‌آورد.

اگر فراوانی تصمیم‌گیری را حاوای پنج کم بدینه‌ای:

1- چه می‌توان کرد؟

2- چه باید کرد؟

3- چه کاری باید در نظر گرفته شود؟

4- به چه کسی اختیار انجام دادن آنچه که در نظر گرفته شده است داده شود؟

۱۱- رضاییان (علی)، مبنی پیشین، صص ۲۴۶-۲۴۷.

۱۲- دیل (ارست)، مبنی پیشین، ص ۱۹.

۱۳- کوثری، ها اوردلیل، سیریل و پوریش و هعانس مبنی پیشین، صص ۳۸۸.

۱۴- همان، ص ۱۲۲.
5) چگونه اجرای شدند؟
6) نیک متوحه خواهیم شد که کلیه گام‌های پنج‌گانه نیازمند نظارت هستند. ولی بسیاری از مدیران به دلایل چند انتخابات نظارتی خود را تفویض می‌کنند. مطالب این تفویض انتخابات عمیقات نظارت به نفر دیگری اعطا می‌شود. با تفویض انتخابات، مدیران می‌توانند صرف‌های بیشتری را از مقامات بالاتر پذیرند، وقت پیشتری را صرف امور مهم و سرکاری ساز می‌کنند، خلاقیت زیردستان را به‌بود می‌بخشند و این امر منجر به اتخاذ تصمیم‌های بهتری می‌گردد و تصمیم‌های مهم و سرکاری ساز با سرعت بالاتری اخذ می‌شود. ولی در تفویض انتخابات نمی‌توان مستندی را از سرخوردگان که در واقع کارکننده می‌شود در دسترس داشته باشیم. باید از آن نظر مطرح بودن قرار می‌گیرد؛
مدیر کل خود را بر امر ذمی به دست نمی‌دهد و نیازی به تصمیم‌گیری متأخربین نمی‌کند.

بنابراین رهنمودهای کلاسیک در امر تفویض انتخابات این قرار هستند:
7) مسیر انتخابات که از بالاترین مقام تا پایین‌ترین مقام ادامه یابد، باید به صورت دقیق و روشن مشخص باشد.
8) باید هرگونه ابهامی را از میان ببرد، از اصل و حتمی فراموشی عدول نکرد و هر نفر می‌پایست در مقابل یک مقام جوابگو باشد.
9) انجام برخی از کارهای خاص را به پایین‌ترین مقام سازمان‌دهی محول نماید.
10) باید به زیردستان انتخابات کافی داده شود تا پایان‌رسان کارهای و اگذار شده را انجام دهد.
11) باید به زیردستان یا کسانی که به آنها تفویض اختیار می‌شود تفهیم کرد که مسئول انجام به‌نهایت کارهایی هستند که به آنان و اگذار شده است.
طبق آخرین جمله اصل یکصد و دهم قانون اساسی رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. بنابراین مقام رهبری نظرت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را که خود وی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و تصویب می‌کند، به خود مجمع تشخیص مصلحت ارجاع داده است. البته می‌تواند به تفویض اختیار به همج نیز نحو رافع منصوبات شخص صلاحیت دار در اجرای وظایف قانونی نیست.

گفتارچه‌های نظرت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: امکان یا امتثال؟

بند نخست اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به عهده مقام رهبری گذاشته است. بنابراین:

۱. هما در دوره سوم مجمع که پنج سال آن به اتمام رسیده یک کار طولانی کرده و مواردی را که باید سیاست‌های کلی را برای آن بتوانسته به آن کرده که حدود ۱۲۰ مورد بود. اینها را خدمت رهبری فرستادیم و ایشان آن موارد را تایید کردن و به ما برگردانند و گفتند که شما نظر مشورتی به ما بدهید. از آن به بعد چند کمیسیون در بخش‌های مختلف تشکیل دادیم تا کار اجرایی انجام بدهند. این کمیسیون‌ها، کمیسیون‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، قضایی، زیبایی و فرهنگی هستند.

۲. انواع و اقسام سیاست‌های کلی نیز که ناکننده تصویب و برای اجرا ابلاغ شده است ۷۰ بانگز درستی نخستین دل نگرانی مهمی است که به سیاری از نماینده‌ها و معتقد بودند که اعمال نظرت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام منجر به ایجاد دستگاهی عرض و طول و موازی خواهد شد. اعمال نظرت بر یکصد و پیست مورد سیاست کلی ناامنی یک دستگاه اداری و اجرایی برگزی است که آرام آرام و ظنیه‌های نظرتی نهادهای همچون دیوان عدالت اداری، مجلس شورای اسلامی، سازمان پارلمان کل کشور، دیوان محاسبات، قوه قضاییه و حرسانت و بازرگانی ویژه و زائر خواهند کرد. این امر بدان خاطر است که اصولاً چنین نهادهایی برای

۲۹- بشیری(عباسی)، منبع پیشین، ص ۲۷.
نظرات پدیده آمده بوده‌اند و از دیگر سو سیسته‌ای کلی را به دلایلی جون می‌کنند. بر اساس آنها و از نظر گرایش مرجی، نظرات تاپژیری و تاپژیری، نظرات تاپژیری و در نتیجه تغییرات نیز خواهد کرد. با این تصویری که خود مجموع از سیسته‌ای کلی نظام ارائه کرده است لین سیسته‌ای براساس آرمانها و اهداف طراحی می‌شود. ولی در نتیجه با آرمان‌ها می‌باشد که بخش جنب تخصصی و تشریحی شان بیشتر باشد، باید بپذیرد صحیح و عملی ارزش‌ها باشدند. به نوبتی دوبله عامل می‌باشد و نیروی جامعه از دید آرمان‌ها را مقدار قرار دهند. این سیسته‌ها با دید راهنمای عملی و میزان باپد و تابع‌ها در تعیین اولویت‌ها باشدند و اصول کلی تخصصی و توزیع منابع و امکانات کشور را با توجه به اولویت‌های مطلق. ۷۱ اگر نگاهی به سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی بین‌ترینم خواهد دید که از واقعه و تغییرات بسیار کلی گویانه، تجربیات و اثرات‌های جهانی و فرآیندهای انسانی گروهی به چشم‌مان می‌آید. بنابراین، مسئولیت مالی موارد مذکور در ذیل، نظرات تاپژیری و در نتیجه غير اجرایی و غیرعملیاتی نیز خواهد شد.

* امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مناسب و پیوسته مردم و حکومت.
* برخورد از سالمند، بقای، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برای، توسعه مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر و فساد و تبعید و بهره‌مند از محيط زیست مطلوب.
* فعال، مستند، مدیر، استاندار، رضا ایمان‌زاده، برخوردی از ودان کاری، انضباط، روحی، تعادل و سازگاری اجتماعی، معنی‌دار به انقلاب، نظام اسلامی و شکوفایی ایران و متفکر به ایرانی بودن. ۷۲

این بیان مفصل و مشخص از واقعه و تعیین‌های کلی گویانه همانند یک مانیفست اعلام برنامه‌های پرسترشی است که هیچ کدام از مواردی که برنامه‌های باید اجرا و نظرات تاپژیری را در خود ندارد. هیچ کدام از واقعه و تعیین‌های اندبند، مشاهده پذیر، نشانه پذیر، عینی و دقیق دست‌کم بخش هر کدام به تهیه به توسعه به زبان‌های انسانی هندسی کلمات در کنار هم قرار
کشور به نظر می‌رسد که این وازه‌ها و ترکیب‌های وازگانی از نخستین گام طوری طراحی شده‌اند که غیر اجرایی باشند، چون آنها هم نظرات نابی‌بentinد. زیرا به معیارهای کمی و عویقی دقیق و مشاهده پذیر و انتقال پذیر بوده و در عالم انتزاعات راه‌گذاری شده‌اند. حتی نمی‌توان نام آنها را برنامه‌های هادی با خط مشی‌های راهنمای گذاشته، زیرا در این صورت چه نیازی به آنها داشتیم. درحالی که تمامی آنها به نحوی از انجام درمتن مکتب قانون اساسی جمهوری اسلامی موجود است، دوباره نرسی آنها تحت عنوان سیاست‌های کلی نظام هدایت داده زمان محصور می‌شود. به نظر می‌رسد «سیاست‌های کلی نظام» از همان آغاز توان اجرایی شدن را ندارند و به دیگر سخن، «نظرات برحسن اجرای آنها» منفعتی را عادی کنی نمی‌کند.